دستور مشروح مسلکی

— یا —

مرامنامهٔ حزب

اجتماعیون اعتدالیون

۴۷۳۲

دستور مشروح مسلکی

— یا —

مرامنامهٔ حزب

اجتماعیون اعتدالیون

مقدمه

همانطور که طبیعت خلقت انسان با مدنیت سرشته و باحتیاج مشارکت ابناء جنس در ادارهٔ امور مدنی مفطور است همانطور هم وجود این مخلوق عجیب با قوائی فرق تصور و طبایعی نا متناسب و متضادة الصور مرکب وامیخته است .

حقیقت خلقت این موجود بوضع حیرت انگیزی با اخلاق نامتناسب ، تملق وکبر ، خضوع وبزرگواری ، تهور وجبن ، شجاعت واحتیاط ، خود پسندی وعجز ، علو نفس وبردباری ، غضب و کظم غیظ ، شدت وتحمل ، شهوت وامتناع ، میل و کف نفس ، حرص واکتفا ، اشتیاق وقناعت ، قساوت وسستی ، حدت وملاطفت ، لجاج استیداد ودوروئی ، استقامت وثبات وسردمداری و مانند انها مخلوط ودرهم است این موجود مرکب القوای عالم خلقت باوجود کمالی که درافرینش داراست برعکس تمام حیوانات برحیات

انفرادی قادر نبوده وبقدرت وغایه که از تسلط خود بر عالم طبیعت جلوه میدهد در مقابل طبیعت خلقت خود ذلیل وزبون وبرای ادارهٔ امور معیشت خود بتنهائی عاجز وناتوان وبمعاونت وامداد نیازمند است باوجود احتیاج مفرط عالم معیشت وحیات انسانی بتمدن و اجتماع بواسطهٔ ودایع وخصایصی که در نهاد خلقت این وجود مکنون است بصرف سرمایه طبیعی واستعداد خلقی خود نمیتواند حوائج اجتماعی خویش را تکفل وامور معاشی خود را اداره کند بلکه برای ترتیب امور زندگانی از تحصیل سرمایه های اکتسابی ناگزیر است .

دورهٔ اولیه زندگانی بشری مدت خود را باختتام اورد در حالتیکه بصورت انفرادی نزدیکتر بود تا بوضع اجتماعی . انسان دورهٔ اول مانند وحوش در جنگل ها ومغوله ها بسر برده ودر پناه درختها ومغاره ها زندگانی مینمود درصورتیکه سوای انچه صرف طبیعت باو می فهمانید احتیاجات خود را احساس نمیکرد

دورهٔ وسطی یا دوره دویم زندگانی
انسان وقتی شروع شد که هم جنسان ما
بطرف اجتماع متمایل و پس از ان بجانب
تمدن منعطف شدند . تمدن انسان در
اولین مرحله از راه صنعت و رفته رفته از
طریق علم به نشو ونمای خود شروع نمود.
انسان هر چه بطرف تمدن مایل وبتکمیل
زندگانی اجتماعی نزدیك تر شد دایرهٔ احتیاج
خود را وسیع تر کرد، وهر چه برفع احتیاج
خود بیشتر کوشید احتیاج خود را بیشتر
دید و مطامع خود را شدید تر نمود. همان
قدر که انسان بطرف تکمیل نواقص زندگانی
اجتماعی و تمدن حوزه معاشی
خود را می پیمود و بسمت ترقی و تعالی
سیر میکرد همان قدر هم احساسات خود رازیاد
تر وقوای طبیعی را کامل تر میکرد وبهمان
درجه که قوه و احساس خود را زیاد میکرد

همان اندازه هم امال خود را طولانی و
ارزوهای خود را شدید تر میساخت ورفته
رفته خصایص و خصائل طبیعی و نیك و بد
صفات اخلاق انسان روبترقی وتکامل می گذاشت.
مشتهیات لا یتناهی و تمنیات نا محدود
وتوقعات فوق العاده انسانی، شدت حرص، قوت
خود پسندی هیجان، غضب، طغیان شهوت متدرجا
مورث تولید هرج و مرج و باعث بروز بی
نظمی و اغتشاش عالم اجتماع بشری شد
وجود این هرج ومرج انسان را بمهم ترین
احتیاجات خود متنبه و واقف ساخت . انسان
دانست که باید براکند گی حوزهٔ خود را
جمع اوری و امور اجتماعی خود را اداره
کند وازاین راه عالم اجتماع بتشکیل حکومت
وتاسیس قواء انتظامی واداری متوجه ومنعطف
شد. تشکیل این قوه بمرور سبب ایجاد صنوف
قاهره ، طبقات غالبه ، دستجات مقهوره

طوایف مغلوبه گردید رؤساء و مقتدرین
وحکمداران بوجود امدند . زیاده رویهای طبیعت
انسان این قدرت مصنوعی را سوء استعمال کرد .
اصلاحات و انتظامات عمومی مبدل باستفاده
وانتفاعات خصوصی شد . کار ریاست وحکمداری
رفته رفته بسلطنت و سلطنت بشاهنشاهی وخدا
یگانی و مالك الرقابی رسید . معدودی مالك و
سایرین مملوك شده ودرقید اسارت و بندگی در
امدند انحراف و تطرف این قدرت مصنوعی
هیئت جامعه انسان را که بی خواست
بطرف سعادت و خوش بختی برود
بدبخت تر وبیچاره تر کرد . میمونین پیشگام
افریدکار انسانی وپیشروان اصلاح عالم بشری
از انبیا و اولیا ، حکما و علماء بصورت و در
معنی متوالیاً برگزیده وفرستاده شدندودرطلب
مقصود رنجها بردهمشقتها کشیدند با همه ان
کوششها طبیعت سرکش و فطرت یاغی انسان

مقهور ورام نشد ، قدرت وسطوت وسیاست عملی
یك طبقه کمالات و بطالت تحمل و اطاعت
طبقات دیگر ، تضادوتنافرطبیعی اخلاق ، کوشش
ها وسعی ازرکانرا بی نتیجه گذاشت وحوزهٔ
اجتماعی انسان همانطور درهم و اشفته پر از
خلل و مفاسد ، مملواز مظلمه و تعدیات ودرحال
مشقت وبدبختی خود باقی ماند

اگرهم گاهی انسان باهزار گونه مشقت ومجاهده وفدا
کاری باتحلال قوای شدیده شخصی وفکری موفق
شد درقید مستحکم قوای مالی مقید گردید و
اگر گاهی قوت سرمایه با ستخلاص هیئت جامعه
ازدایرهٔ عبودیت خدا یگانان ومقتدر ان کمك کرد
خودباحقیقتی سخت وموحش وصورتی ارام وملایم
ان قدرت را در دست گرفت و فقط اصول
بندگی و خدا یگانی و ترتیب عبودیت و مالك
الرقابی تغییر صورت داده رویه های متعدیانهٔ
نامشروع صورت مشروع اتخاذ کرد واصول

ظالمانه بانزاکت صوری ترکیب یافت و در
حقیقت هیچوقت هیئت جامعه انسان از مشقت و بد بختی
فلاکت و بیچارگی رهائی نیافت
مبدء دوره سوم زندگانی بشری (که افراد دوره جنبش و
حرکت عالم اجتماع بشر میتوان گفت) امروز شمرده
میشود که هیئت جامعه خواست روباستقامت و
استقلال برود انسان بیدار و بشناسائی خود
مایل شد و خود را مستقل و مقتدر شناخت
و به نقایص و مفاسد امور خود متوجه گردید، تخم
های افشانده و دانه های پراکندهٔ بزرگان که
بمرور زمان در زیر سنگهای قدرتهای مصنوعی
درکار نشو ونما وخود سازی بود ازشکاف هائی
که حرکت وجنبش انسان دران سنگها احداث کرده
بود سر بر اورد، قدرتهای مصنوعی در مقابل
قوتهای حقیقی مقاومت و یارائی نکرد
دفاع ظالمین در برابر حملات مظلومین تاب و
تحمل نیاورد اقتضای طبیعت خلقت وضع

ناپسند مصنوعی را منقلب ساخت و بالاخره
حوزهٔ اجتماعی انسان بکشف جاده مستقیم ترقی
و تعالی خود موفق گردید
ولی باهمه تصادمات و کشمکشها همیشه قوای نامتناسب
واخلاق نامتوافق انسان رادرحرکات وسکنات تعقیب
نموده گاهی بخیر وگاهی بشر زمانی به نفع و وقتی
بضرر هدایت وراهنمائی میکرد. ازینرو اتحاد و
اتفاق حوزه اجتماعی درطلب یك مقصود وتعقیب
یك رویه بقاء و دوام نکرد اختلاف سلیقه ومذاق،
تفاوت مدرك و اخلاق، باختلاف طریقه و رویه
منجر گردید — اتصالات بانفصال مبدل و
جمعیت ها بقسمت ها منشعب شد و باین سبب
حوزه های سیاسی و احزاب اصلاحی تشکیل و
موجود شدند.
امروز اگرچه حوزه ها متفرق وشعبه ها بحالت کنونی
منقسم شده اند ولی هر فرقه وهر دسته در موقع ومحل خود
مانعی از موانع ترقی هیئت جامعه را مرتفع

و سنك و خاری از راه تعالی حوزه اجتماع
بشری را کنار کرده و به پیشرفت امور اجتماعی معاونت
و امداد مینمایند.

با وجود اشتباهات و انحرافات
و سهو و خبط های نظری که فرقه های
متخالف در حق یك دیگر معتقدند و شاید
خیلی از آنها نیز دارای حقیقت و وجود باشد
باز نمیتوان منکر منافع و فوایدی بود که هیئت
اجتماعیه تا کنون از وجود آنها غنیمت برده است

در سنوات اخیره (سال ۱۳۲٤ هجری)
دورهٔ جنبش و حرکت در مملکت ایران باهمان
قانون طبیعی و سیك تخلف ناپذیر خود شروع
وابتدا کرد. یعنی بدو این بحران حتمی الوقوع
تاریخی با شدت خود در یك صورت مشترك فیه
متفق علیه بدون اختلاف عملی یا نظری بین
طبقات مختلفه بروز و با کشمکشها و اضطرابات و
انقلاباتی که شرح آنرا تاریخ این دوره مدهش

ضبط خواهد نمود قسمت عمدهٔ خود را خاتمه داد.

همینقدر که مانع مفقود و مخالف مقهور
شد و مختصر سکوت و سکونی درجای ان اضطرابات
موحش و هیجان های مهیب استقرار گرفت
تقاضای طبیعت اختلافات فکری و نظری و
تصادمات سابقه و تنافرات مذاقی را بمیان اورد
جمعیت متحده بصورت احزاب مختلفه منقسم
و فرقه های متعدده تشکیل یافت

تناسب سابقه و توافق فکر و عقیده یکدسته از بقیه
السیف ان انقلابات خونین را که از ورطه های
هولناك و عواقب پرخطران روزهای سرخ نجات
یافته و پایمال فتنه خون خواران و مالك الرقابان
ان عهد میشوم نشده بودند بیکدیگر مربوط و
متصل و مجتمع و متحد ساخت

این جمعیت بمناسبت فکر و عقیده خود اصول
و اساس مسلکی اجتماعی را که روحا با حقیقت
مقدسهٔ اسلامیت (که بنای ملکوتی ان بر پایه

رفیع نشر واشاعهٔ حقایق عالیهٔ آزادی و برادری
وتساوی و تعاون بین افراد انسانی استوار است)
متوافق و از روی همان زمینه و اساس عالی است
بهترین نقشه وکاملترین طرز برای جلب سعادت
عالم اجتماع بشری و ترقی اوضاع معیشت
حوزهٔ انسانی یافته و بواسطهٔ ان توافق
وتناسب این مسلك وطریقه را اتخاذ وپیروی نمودند

اساس مسلکی اجتماعی اساسی است که
هریك از هیئت های جامعه بتناسب اختلاف
احتیاجات و تباین عادات و اخلاق و تفاوت
مذاهب واوطان خود از ان اساس بهره ور و
منتفع وبر حسب اقتضای موقع ومقام خود باطرز های
مقتضیه این مسلك عالی را پیروی نموده اند وبا توسل به این
وسیله قویه ترقیات سریعه را حائز ومقام وطنیت
و ملیت و دیانت خود را نیز حفظ و حراست کرده اند

چنانکه در عصریکه ما در ان زندگانی
میکنیم جمعیت های مختلفه باسم

اجتماعیون اسلامیون و اجتماعیون کاتولیك ،
اجتماعیون بودائی وغیره موجود وبرای ترقی عالم
اجتماع بشر بکار ودر تلاشند

این جمعیت بنابر توجه و انعطاف فوق العاده
که نسبت بافکار عمومی و رعایت
مقتضیات اخلاق و عادات عامه داشته واهمیتی
که باین نکته میدهند پیشرفت تمام مقاصد خودرا
موکول بتوجه افکار عامه داشته وهمیشه نظریات
عمومی را تعقیب مینمایند وتناسب موقع ومقتضی
را اولین شرط ترویج وپیشرفت مقاصد مقدسهٔ خود
قرار میدهند لذا طرز متطرفانه را که مارکس و آنژل
و امثال انها از پیشروان معروف این طریقه
تعقیب نموده اند طرح وترك نموده وسبك معتدلانه
راکه معلمین بزرك این مسلك مانند برانستن واندروولد
پروفسور مرلینو وامثال انها اتخاذ کرده اند پیروی
مینمایند . وبنابر اینکه این حزب امال غیر ممکن
الحصول و ارزوهای روانشدنی و موهومات

مسلکی را دور انداخته وفقط بمسائل قابل اعتنا
و ممکن الوقوع میپردازند واوقات را بتمنی و
تجسس مرام های ظاهر التشعشع عوام فریب
که مانند رؤیا های کاذبه بی تعبیر است هدر نمی
سازند خود را باسم اجتماعیون اعتدالیون معرفی
کرده واین نام مقدس را قبول میکنند . وفلسفه
واصول مسلکی خودرا که در بد و تشکیل خود
باندازهٔ اقتضای امروز وبر حسب استعدادیکه
دران ایام اولیه مابعد بحران بین طبقات عامه
کشف واستنباط نموده بودند بطور اختصار در
ضمن هفت ماده کوچك منتشر ساختند . امروز
باقتضای استعداد فعلی مفصلاً و بالنسبه شرح
و تفصیل بصورت ذیل منتشر و طالبان ترقی
عمومی وهوا خواهان اصلاحات ملی را بپیروی این
مسلك مستقیم و طریقه خالص خود دعوت
وترغیب مینمایند

کلیات

هیئت اجتماعیه

سبب اصلی اتصالات و تشکیل هیئتهای جامعهٔ
انسانی فقط منافع مشترکه وروابط متحده یا متشابهه
ایست که از أوضاع واحوال گذشته وزبان و
عادات بشر و توافق اخلاق و عقاید افراد
تولید میشود .

معاهدات و قرارداد های مصنوعی و اصول
موضوعه را که بین عده معین و جماعت مشخص
معلوم و مقرر ویدان واسطه در محل
وموقعی خاص اجتماع نموده بان اصول ومعاهدات
از یك دیگر منفرد و متمایز شوند وسیله
ایجاد هیئتهای اجتماعیه نمیتوان شناخت بلکه
فقط همان اسباب مواد طبیعی است که موجد
وموجب تشکیل هیئتهای جامعه انسانی شده است

مبنا ـیے اصول اجتماعی

عنصر اصلی ومبنای اصول اجتماعی بسط حقایق عدالت بین افراد و تعدیل جنبات اجتماعی است ویگانه وسیله نشر عدالت رعایت تساوی حقوق نسبت بافراد هیئت جامعه واجراء قانون مساوات است درتمام جنبات مهما امکن .

مبنای اصول اجتماعی بر مباحث علمی ومسائل طبیعی علم نیست که درهمه جا ونسبت بتمام هیئتهای جامعه یکطرز ویکسان باشد بلکه مسائلی است مربوط بمراحل زندگانی انسانی و اصلاح نواقص وترتیب اوضاع معیشت واحوال اجتماعی بشری ، لذا باید انمسائل و مباحث را از نقطهٔ نظر احتیاجات واقعی واحساسات طبیعی انسان امروزی که هیئتهای جامعه را تشکیل داده اند ملاحظه و تدقیق نمود

هرچند هیئتهای حاضره نتیجهٔ هیئات

سالفهٔ بشری میباشند ولی انسان امروزی نمیتواند بالمره احتیاجات حقیقی انسان اتیه را تمیز و تشخیص داده انان را بپروی عقاید و امال وقوانین مقررهٔ خود مجبور سازد : بهمین جهة است که نظریات اجتماعی درهرعصر مختلف ونسبت بهریك از هیئتهای اجتماعیه طرز و شکل مخصوص خواهد داشت

بطور کلی هر وسیلهٔ ممکنه که رفاه عمومی و بهبودی اساس زندگانی وسعادت احوال اجتماعی انسانی را وعده دهد باید انرا داخل درمرام وجزء اصول اجتماعی دانست

پس اصول اجتماعی عبارت است ازمجموعهٔ افکار و مقاصد واحساسات وتمنیاتی که افراد بشر را بسعی و عمل و وصول بکار امیدوار و برفع احتیاجات و تعدیل جنبات جامعه معیشت کامیاب میسازد

اصول اجتماعی است که تعدیل میکند مناسبات

بین الطرفین وروابط بین افراد و حق الامکان
برطرف میسازد نزاعهای معاشی انسانی وجدالهای
زندگانی عالم بشری راو برقرار و محفوظ میدارد اصول
تعاون و اساس توافق و تعادل بین اشخاص را
وتوصیه میکنند تزکیهٔ اخلاق و تنویر افکار و
تصفیهٔ احساسات روحانی عالم اجتماعی را
و بالاخره تجزیه و تفکیک میکنند امال غیر
معقوله را که عبارت از تساوی حقیقی معاشی
و امتیازی است از مرامهای عقلی قابل
امکان یعنی تولید و جلب وسایل رفاه عمومی
و اسایش افراد که نقطهٔ نظر حقیقی اصول
اجتماعی است : زیرا مقصود اصلی از تمام
قواعد و قوانین و اصول سیاسی و حکمتی
و اخلاقی و اقتصادی که تا کنون منظور نظر
عقلا وپیشروان حوزه های اجتماعی انسانی
عالم بوده است تحصیل رفاهیت و اسایش
عمومی است

عدالت ومساوات وتعاون

برای سعادت حوزهٔ اجتماع بشری باید در همه چیز
و همه جا حقایق عدالت منتشر و تاحدی که
ممکن است اصول مساوات و حقوق تساوی
جاری و اختلافات فوق العادهٔ هیئات اجتماعی
تنظیم و تعدیل و بوضع معاش تمام افراد یا
هیئت ها بنسبت اختلاف مراتب و قوی و مواقع
آنها کمك و امداد شده و برای پیشرفت
مقاصد عالیه اجتماعی اصول تعاون بین افراد
و هیئت های جامعه همیشه منظور و در
جریان باشد

آرزوهای موهوم ومرامهای
قابل حصول

بطور کلی میتوان گفت که عموم مردم بدو
قسمت منقسمند [۱] انسان کاری و عملی
[رو آ] ایست [ ] که همواره در پی تحصیل

و انجام مقاصد ممکنه و در تجسس و تعقیب
ارزو های قابل الحصول هستند [۲] انسان
فکری وخیالی (بدئالیست) که همیشه با یك شعف
طفلانه در مهد تصور و آمال صورت نا پذیر
غلطیده و از تماشای مناظر عالی و نمایشگاه
دلربای عوالم امید مسرور و خود را با رزوهای
دور و دراز مشغول ودلخوش میدارد
این فرقه بکلی مسائل عملی قابل اجراء
و ارزو و امال و همی را از یك دیگر
تفکیك نموده واوقات را به تجسس و پیروی
مقاصد مو هومه و تمناهای خیالی که
هرگز وجود خارجی حاصل نکرده فقط از
مولدات عالم فرض و وهم است مصروف
گذاشته تضییع قوی را در تعقیب امید های خارج
از حیز امکان جایز نمی داند زیرا در نظر
عقلائی توجه بنقاط نظری خیلی بعید و
مقاصد و امال خیلی فوق العادهٔ انجام نا پذیر

انسان را از اصلاحات فعلی و تعدیل
اوضاع تا کوار امروزی حالت اجتماعی منصرف
ساخته هیئت اجتماعیه را دچار سختی و بد
بختی کنونی بگذارد
افکار دور و دراز و خیالات نیش غولی و تصورات
سطحی برای ترتیب و بنای هیئت کامل اجتماعی
انسانی که صورتاً خیلی عالی بنظر می ایند
برای اداره کردن حوزه های اجتماعیه در حکم
سراب وفروغی که از انها حاصل میشود دروغی
است که مرکزما را بشاهراه حقیقت و هیری
نکرده وبانظر حقیقت شناس عمیق خوب میتوان
دانست که این افکار بلند نه امروز ممکن است
صورت وجود حاصل کند نه فردا بلکه فقط
انسان را از توسل بوسایل فعلی و اتخاذ تدابیر
حسنه که باید هزارها نفوس امروزی را از گرداب
مذلت و مشقتهای عالم زندگانی خلاصی بخشیده
شداید و بی اعتدالی زندگی انهارا جرح وتعدیل

نماید منصرف کرده باز خواهد داشت
در حالتیکه امروز میتوان از عالم فکر و ارزو
تجاوز نموده و بمقام فعلیت برامده عملیاتی را
پیشنهاد ساخت که بتدریج سعادت وتیکبختی هیئت
جامعهٔ بشری را اماده و فراهم سازد

رعایت مقتضیات

برای ترویج مقاصد عالیه و نشر افکار صائبه
اجتماعی باید همیشه مقتضیات عصر و مناسبات
وقت را در نظر داشت و در صورتیکه برای
ترقیات عالم اجتماعی بشری بخواهیم بعملیات نزدیک
شده در وادی ارزو و تصور سرگشته نمانیم باید
کاملا اوضاع واحوال حاضره را رعایت واحتیاجات
مقتضیه را مناسب هر روز متوجه باشیم

طریقهٔ نشر افکار اجتماعی

هر شخص اجتماعی وجداناً مامور ومکلف است که
در انارهٔ افکار و توسیع اذهان وتصفیه وتصحیح

اخلاق ونشر خیالات و مقاصد اجتماعی
ساعی وجاهد بوده حتی‌الامکان نوع خودرا مستعد
قبول نیات حسنه و مقاصد عالیه اجتماعی نماید و
در پیشرفت این مقصود باید همواره فیلسوفانه و
بطرز عقلائی راه پیمود و از حملات خصمانه و
تمسک بوسایل نا مشروع واعمال قهریه ومدافعه
و معارضه بمثل که بالطبع مورث انزجار و مولد
کینه ودشمنی ومضر بنشر و اشاعهٔ افکار اجتماعی
است جداً احتراز کند

تکامل و تدریج

ناموس ارتقاء و قانون تکامل ثابت میکنند طبیعی
بودن تدریج و محال بودن تجدد آنی را زیرا
مبنای هر اساس جدید همان اساس قدیم است که
رفته رفته بدرجات کامله نایل شده وکمال هر لاحق
در ذیل همان ناقص سابق و تعالی وترقی هر تازه
در تحت اصول وقاعدهٔ استفاده از گذشته است

همینکه ترقی عالم بشری امروز را با دورهٔ اولیهٔ
زندگی مقایسه کنیم بخوبی روشن است که نسبت
این ارتقاء و علو جز بر وجه تدریج و توالی
غیر متصور و تجدد انی در مولدات عالم خلقت
ازهرطبقه وهر مسلك فرع برمحال خواهدبود بااندك
توجه خاطر خوب میتوان استدراك نمود که
اساساً فلسفه حکمرانی انقلاب (یا تجدد آنی)
درهیئت جامعه مبنی براثراتی است که جز اختلال
و خرابی و اشفتگی عالم اجتماعی نتیجهٔ نخواهد
داشت

لذا باید ایجاد اساس های جدیده را بر اعدام
اساسهای قدیمه مقدم داشت و ایجاد را بهتر از
اعدام دانست زیرا ایجاد اساس جدید مستلزم
اعدام اساس قدیم است

بنابراین باید همیشه اساس هائی که وسیلهٔ سعادت وموجب
نیکبختی هیئت اجتماعی است بارعایت تدریج
وبروز استعداد تاسیس و ایجاد نمود

اکثریت

برای نظم ادارهٔ هیئت اجتماعیه درهر مورد وهر
موضوع اکثریت کاشفاً ماکان قاطع تمام اختلافات و
تردیدات خواهد بود

چون جلوگیری از هرج و مرج و منع از
بی ترتیبی منوط باستقرار و اجراء اصولی است
که در هیئت جامعه فصل مشترك وحد قاطع مقرر
شده باشد و حصول این مقصود موکول بتناهی
وتحدید تردیدات وقطع وفصل اختلافات است لذا
بر عهدهٔ تمام افراد هیئت اجتماعیه فرض است
که اکثریت را مطلقاً واجب الاطاعه دانسته در
تمام اصول و فروع جاریه قاطع و خاتم شمارند
وبهیچ وسیلهٔ عملی برخلاف اکثریت اقدام نکرده
فقط بپیشرفت مقاصد عالیه خودرا بجلب اکثریت
موکول وکوشش نمایند که مرامهای لازم الحصول
فقطهٔ توجه اکثریت واقع شود

تعقیب مرام و مقصد

در طریقه اجتماعی هر عمل مشروعی که هیئت جامعه را یک قدم بمقصد نزدیک سازد طرفداری و پیروی واقدام وانجام آن بر افراد هیئت واجب خواهد بود

آزادی

یکی از ارکان اساس اجتماعی ازادی است : ازادی هیئت جامعه شامل میشود ازادی اجتماعات، مطبوعات، نطق، مکاتبات، مخابرات، قرارداد، مسافرت، سکنی، مشاغل، تابعیت و غیره را لذا این اصول تمام افراد را صاحب ازادی مطلقه میشناسد

ازادی هر یک از افراد تا جائیکه مصادم ازادی دیگران و مخل انتظام حوزهٔ اجتماعیه و مباین اصول اجتماعی نباشد ممتد ومنبسط است . کسانی که مخل و غاصب ازادی مشروع هیئت جامعه شوند دفع انها جداً فریضهٔ ذمت هیئت است

مقاومت باظلم وخودسری

ظلم بهر یک از افراد هیئت جامعه چنان است که

بتمام هیئت شده باشد همانطور که ظلم بهیئت یا یک قسمت ویک طبقه ظلم بهر یک ازافراداست لهذا مقاومت با ظلم پایه و اساس حفظ حقوق بشری و از وظایف حقیه و دین مقدس تمام افراد و هیئتها است

در موقع تجاوز هر طبقه یا هر هیئت حاکمه از حدود خود و تخطی بحقوق جماعت و کسر و نقض قوانین موضوعه و مبادرت و اقدام بخود سری وعصیان ، مقاومت با نقض کننده ومتجاوز اگر چه بشکل سرکشی وطغیان وموقوف باستعمال قوای قهریه شود از وظایف مقدسه وتکلیفات اولیه تمام افراد وقسمتهای هیئت جامعه است

تجدد مرام

از انجائیکه احتیاجات هیئت اجتماعیه با قتضای مرور ایام وتبدیل از منه وبالنسبه بتفاوت احوال و اوضاع در تغییر است عناصر ومواد مرامنامه

هیئت نیز بر حسب اختلاف استعدادات ازمنه و امکنه و احوال ونسبت به پیشرفت ترقیات عالم بشری قابل تغییر وتبدیل بوده وبهمین وسیله اصول تکامل وتجدد همیشه مجری ومحفوظ خواهد ماند

اصلاحات

از روی تحقیق میتوان اصلاحات نواقص عالم اجتماعی را بسه قسمت منقسم و هیئت جامعه را بسه گونه اصلاح محتاج دانست

(۱) اصلاح دایرهٔ سیاست هیئت اجتماعیه

(۲) اصلاح امور اقتصادی

(۳) اصلاح جنبهٔ اخلاقی

لذا مقاصد منظوره دراین مرامنامه درتحت عنوان اصلاحات سیاسی واقتصادی وروحانی بیان میشود

اصلاحات سیاسی

پلتیك

وجود اختلافات غیر محدود وآمال نامتناهی وزیاده رویها

و مشتهیات بی پایان و عدم تزکیه ، فقدان توافق وتناسب اخلاقی بین افراد ایجاد سیاست و تشکیل حکومت را الزام مینماید — هیئت اجتماعیه همچنانکه باصلاح حیثیات اقتصادی و علمی واخلاقی عالم اجتماع توجه دارند بمناسبات سیاسی هیئت جامعه نیز باید عطف نظر و التفات نمایند

سیاست برای حفظ روابط ومناسبات بین الطرفین است — دو طرف که نسبت بیکدیگر دارای مناسبات وروابطند خواه دو شخص یادو هیئت جامعه باشند برای ترتیب وانتظام وحفظ روابط خود البته محتاج اساس پلتیك واصول سیاست خواهند بود

یك طبقه یا یکعده از مردم نمیتوانند دارای تمام قوای هیئت جامعه شوند ، ولی تمام قسمتها یا افراد حق دارند که بازادی تامه عقیده وارادهٔ خودرادرکلیهٔ امور بیان نمایند

اصول واساس سیاست امروزی یعنی سلطنت ملی

بهترین شکلی است که برای تنظیم و ترتیب
ادارهٔ سیاست هیئت جامعه بتوان تصویر نمود. زیرا که
حد جامع وقدر مناسب قابل امکان مابین طرز قدیم
یعنی حکومت شخصی و استبدادی و طرز فرضی
که برای اتبه ارزو میکنند که عبارت از حکومت
افرادی است . طرزی است که امروز درهیئت
های جامعه بشری اتخاذ ودرصفحه عمل واجراء
گذارده شده فقط برای نزدیکتر ساختن این
طرز بنقطه ممکن الحصول ، طرز اشتراکی افراد در
ادارهٔ امور عمومی خود نواقص ان محتاج
باصلاح و تکمیل است

حق حکومت یکی از حقوق متعلقهٔ بتمام افراد است
— این حق بواسطه انتخاب شدگان حوزه
های هیئت جامعه که قوای عامله هیئتند ایفا
میشود . تعیین متصدیان واولیاء امور جمهور تا
درجه که ممکن است باید بطور انتخاب باشد
حق انتخاب باید عمومی و بطرزی باشد که

هرروزی باقتضای موقع ومناسبت احوال واوقات
ایفای حق منتخبین کاملا بعمل امده و انتخاب
شدگان بتوانند مظهر افکار و اقتدارات هیئت
جامعه ونمایندهٔ عموم افراد باشند
اقتدارات کاملهٔ حکومت ملی درید قدرت نمایندگان
هیئت است . اداره سیاست هیئت اجتماعی
بوسیلهٔ قواء مقننه وقضائیه وبجریه ترتیب میشود .
مشاغل عمومی بطور ابدی و ارثی تعلق نیافته
بنظر پاداش وامتیاز واگذار نمیشود بلکه باید
تصدی امور جمهور فقط بعنوان اداء وظیفه
وتکلیف باشد

ترتیب دوائر عمومی وتفکیک قوی

برای حصول انتظام کامل و ایجاد ترتیب وافی
درهیئت جامعه باید دوایر عمومی هیئت تجزیه و
تقسیم شود بهیئتهای مقننه ، هیئتهای بجریه ، هیئت
های شرعی یا قضائی ، هیئتهای ناشر افکار عامه ، از

قبیل اجتماعات ومطبوعات و غیره
فقط اطاق میبوتان برای اینکه مجری افکار ومظهر
قدرت عموم باشد وافی نخواهد بود —
بنکه اولا برای اینکه از حکومت مطلقه خالی از مسئولیت
که معنی حکومت شخصی و استبدادی است بیشتر
احتراز ورزیده وبحکومت اجتماعی نزدیکتر باشیم
باید بواسطهٔ تعدد قواء مقننه نظریات و
افکار مقننین را تعدیل و از تحرفات
شخصی تخلیص نموده قوانین موضوعه را
بنقطهٔ تمایل افکار عمومی نزدیک ساخت
ثانیاً نظر باینکه احتیاجات عمومی و خصوصی
از یکدیگر متمایز و باهم مختلفند باید بوسیلهٔ
تعدد هیئت مقننین ترتیب تشریع قوانین عمومی
وخصوصی را از یکدیگر جدا ساخته وباین طریق
هریك از هیئتهای واضعه قوانین علمی سیاسی
یا ملکی وشهری وامثال انهارا مستقل وبانجام
و ظیفه جدا گانه مخصوص نمود

قوای عاملهٔ هیئت خواه قوهٔ تشریعیه خواه اجرائیه
یا غیر انها باید بانهایت دقت از یکدیگر
تجزیه و تفکیك شده وهریك مستقلا بوظایف
خود بپردازند — این قوی در عین تفکیك
و استقلال باید بایکدیگر مربوط ومتناسب بوده
و بطرزی تنظیم و ترتیب شود که باتوافق و
تناسب کامل و بشکل هم آوازی بعملیات
ووظائف خود مشغول باشند . وبطور کلی
لازم است ترکیب این قوی کاملا
متناسب و روابط انها بایکدیگر
محفوظ باشد

قضاوت

تجاوزات وزیاده رویها و تخطیات افراد
نسبت بحدود و حقوق یکدیگر و لزوم تعدیل
و جلوگیری از انها تشکیل و ترتیب حوزهٔ
قضاوت و حکمیت را در بین هیئت جامعه

لازم میسازد

تصدی مقام قضاوت منوط بشرط لیاقت و شایستگی است — دائره قضائی باید بمملکتها درجه موسع و بتمام نقاط منبسط بوده و هر کس قادر براستفاده و انتفاع ازان باشد ونظر باینکه برای عموم افراد احقاق حق میسر و مقدور باشد باید قضاوت مجانی و بلا عوض ومدد معاش حکام قانون و قضات بر عهدهٔ بیت المال تعلق یابد

توافق کارکنان وآزادی افکارآنها

برای حسن ادارهٔ امور هیئت اجتماعیه یکی از وسایل قابل اتخاذ ملاحظه و رعایت هم خیالی و موافقت کار کنان و متصدیان امور هیئت است. برای جلب صحت عمل اداره کنندگان امور جمهور باید بطور کامل افکار و عقاید آنهارا در ترتیب اداره ازاد گذارد .

و برای کسب موفقیت انها بحسن اداره باید بحد وافی رفاه معیشت و آسایش زندگانی انها را تامین نمود

ازادی افکار وعملیات متصدیان اشغال عمومیه باید تاحدی منظور باشد که باسم پلتیك وسیاست ، نفوذ وسلطهٔ نامشروع وقوه مقتدره برای انها ایجاد وتولید نشود

افکارعامه

برای اینکه ادای حقوق هیئت اجتماعیه بعمل امده باشد در وضع وایجاد تمام قواعد و قوانین و اجراء اصول و مقررات متعلقه به هیئت باید مراعات افکار عامه کاملا منظور بوده وتمام امور نظر بتمایل افکار عمومی اداره شود

وضع قوانین

وضع قوانین باید همیشه بر حسب تناسب

احتیاجات هیئت اجتماعیه باشد . تمام افراد بطور مستقیم یاغیر مستقیم حق مداخله و نظر در وضع و ایجاد یا تغییر و تبدیل وجرح و تعدیل قوانین دارند ولی هیچ طبقهٔ سابقه نمی تواند طبقهٔ لاحقه‌را بقوانین موضوعهٔ خود مطیع و مجبور سازد

عوارض و بیت المال

برای حفظ انتظام امور هیئت جامعه و ترتیب دوائر عمومی و رفع احتیاجات ان وضع عوارض وتوزیع خراجات و تشکیل بیت المال ناگزیر محتاج‌الیه‌خواهد بود — هیچ قسم مالیات نباید وضع شود جز برای انتفاع عموم . تمام افراد مدیونند که به بر قراری مالیات امداد نمایند وحق دارند که در خرج و مصرف ان نظارت کنند

توزیع مالیات و خراج باید بنهجی باشد که

درحقیقت ترازوی تعدیلی بین ضعفا و اغنیاء بوده وحتی الامکان معیشت فقرا و متمولین را بهم نزدیك سازد

وطن

چون رفع اختلافات ملی و مذهبی و توحید اخلاق و عقاید و یکی شدن عادات والسنه و اوضاع ملل را نمیتوان بکلی ممکن تصورکرده تفاوتهای موجوده امروز را معدوم ساخت باید جمعیت عالم را بهیئتهای اجتماعی متعدده منقسم دانست

اجتماع افراد مشترك المنفعه متشابه الحقوق دریك سرزمین ووجود خصایص متعلقه بهیئتهای اجتماعیه ان ها تشکیل ملت و ایجاد وطن و وطنیت مینماید . انتظام اداره امور و حفظ منافع مختصه بهر یك از هیئتهای جامعه حصانت حدود مختصه بانها را الزام وسعی درترقی و و تعالی و افزایش بر محسنات اوضاع واحوال

اجتماعی را بهر یك از افراد و هیأت ایجاب میکنند — و بنا بمراتب مذکوره دفاع از وطن و حفظ وطنیت صورت لزوم مییابد

محتاج نیست که بگوئیم در ضمن حفظ وطن و وطنیت امور وتعلقات مختصه بهریك از هیئتهامانند مذهب وملیت و زبان و امثال انها بالتبع محفوظ خواهد ماند

هریك ازملل یاهیئتهای اجتماعی باید درداره امور خود ازاد و مستقل باشد — ولی این نکته را باید طرف دقت قرار داد که قواعد ورسوم وطنیت و ملیت واصول‌ازادی و استقلال هیئتها باید بطوری مدون و به نسبتی مرتب شود که حدود ان محفوظ و باسم ملیت و وطنیت بحقوق و حدود یکدیگر تجاوز و تخطی نشده اساس حقوق وطنیت تعدیل وتنظیم ودر ضمن اصول و قراردادهای عادلانه متساویه مقرر گردد

مرکزیت

بنا بر اینکه برای اکمال حسن روابط و تسهیل جریان امور اجتماعی بالمره صرف نظر ازمرکزیت غیر ممکن است باید یکنوع مرکزیتی که مضر بتعدیل هیئات اجتماعی نباشد در هیئت جامعه تصویر ومقررداشت — برای‌حصول این مقصود بهترین صورت این‌است که کلیتاً درامورا‌قتصادی مرکزیت درکار نبوده جهات و مناسبات ان در همه جا محفوظ ومتساوی باشد — ولی درموضوع سیاست هیئت بطوریکه با تناسب احوال وأزمنه موافق صرفه و صلاح هیئت اجتماعی است باید مرکزیت منظور وبرقرار باشد

قوای دافعه ملی

برای حفظ نظام و دفاع از هیئتهای جامعه که در تحت اسامی وطنیت و عنوان ملیت تشکیل شده اند احتیاج بایجاد و تأسیس قوای دافعه ملی

تاکریز خواهدبود — حفظ و دفاع هیئت جامعه
از وظایف عمومی و واجبات عینی تمام افراد
است زیراکه تشکیل وایجاد قوای لازمه برای انتظام
و ترتیب امور هیئت ودفاع از ان خواه مادی و
مالی یا نفری و شخصی باشد بر عهده عموم
افراد موکول بوده و هریك از افراد یا هیئتهای
جامعه باید بدفاع عمومی کمك وامداد نمایند علی هذا
خدمات نظامی و وظایف قشونی باید بطور
عمومی تکلیف شده و عموم افراد مدتی از عمر
خودرا بانجام وظایف دفاعیه هیئت صرف کنند.
چون وظایف وخدمات قشونی از واجباتی است
که بر ذمهٔ هر فردی تعلق میگیرد لذا اداء این
تکلیف نمیتواند در مقابل اجر و مزدی بوده
بلکه باید مجانی وتکلیفی باشد فقط هیئت اجتماعیه
مکلف است لوازم معیشت و مصارف دفاعیه
مدافعین را در موقع خدمت تکفل نماید

روابط خارجی و سیاسات بین
المللی . صلح عمومی

چون ایجاد اشتراك حقیقی منافع وتساوی اوضاع
مختلفه بین تمام هیئتهای اجتماعی عالم غیر ممکن
است باید مهماامکن منافع انها را بیکدیگر نزدیك
و حقوق مشترکه و روابط متبادله فیمابین را
تزیید نمود و احساساتی که سبب ازدیاد روابط
وباعث حصول تقریب وتشابه منافع هیئتها ومورث
وجود اتحاد است بین انها تولید و باین وسیله
رفته رفته منازعات و جنگهای بین المللی را متروك
و موقوف وصلح عمومی را ایجاد کرد
باید معتقد بود که فصل مشترك و حد اتصال بین
هیئتهای اجتماعی عالم عدالت و راستی و اخلاق
نیکوست نه ملیت ونژاد یا رنك لذا تعصبات ملی
و نژادی و حقوق تفوق و برتری که ازین راه
تولید میشود مذموم و مطرود است

اصلاحات اقتصادیه

تقسیمات هیئت جامعه

ازنقطه نظراجتماعی وتناسب احتیاجات هیئت جامعه راهیتوان به تقسیمات ذیل منقسم دانست (۱) قسمت های فراهم کننده محصولات و مصنوعات مانند زارعین وصنعت گران وامثال انها (۲) قسمتهای موزعه ونقسیم کننده ازقبیل تجار وفروشنده ها و عاملین ومانند انها (۳) قسمتهای مربیه ازقبیل معلمین و ارکان روحانیت ومراقبین وپرستار ها وامثال انها (٤) قسمتهای منظمه واداره کننده مانند ارکان حکومت و أعضاء دوائر سیاسی وغیره (٥) قسمتهای امدادیه ازقبیل پلیس وژاندارم واطباءوامثال انها (٦) قسمتهای قاضیه وحاکمه ازقبیل قضات وارکان عدالت وغیره (۷) قسمتهای دافعه (قشون)

مروجین افکار اجتماعی را بسه طبقه منقسم و ترویج مقاصدرا بسه طریق باید دانست (۱) بوسیله دعوت و تبلیغ و خطابه و امثال

انها (۲) بوسیله کتابت و تصنیف و تألیف و غیره (۳) بواسطه عمل واجراء

خانواده

تشکیل خانواده از هر جهة میتواند مجاز و مشروع باشد ولی تولید و ایجاد حقوقی باسم و عنوان خانواده ممنوع و نامشروع است. برای اسایش و تخفیف زحمات خانواده هیئت اجتماعی مکلف است بوسائل مقتضیه متوسل و در ترتیب و تعلیم اطفال و مراقبت هائی های لازمهٔ بخانواده کمك و معاونت نموده مهما امکن زحمت پدر هاومادر های خانواده راتخفیف دهد. تکثیرنسل و تزیید افراد جمعیت از وسائل مستحسنهٔ ترقی هیئت جامعه است مهم ترین مسائل راجع بخانواده مسئله تکمیل ترتیبات صحیه و مراقبت در حفظ الصحه راجع بامور توالد و تناسل و نگاهداری و

تربیت اطفال خانواده وبخصوصا وضع اصول وقوانین تربیت های روحانی است •

منع امتیازات نامشروع و تقریب

اختلاف مراتب معیشت

توحید حقیقی احتیاجات و تساوی اوضاع مختلفه و عادات و احوال متفاوته افراد یاهیئت های اجتماعی عالم را نمیتوان ممکن الوقوع تصور نمود • بلکه تقریب درجات و مراتب مختلفه زندگانی ها را تاحدی میتوان امیدوار بود و فقط بواسطه اجرای اصول عدالت درجات قابل تحقق تساوی طبقات و تقریب معیشت ها و نسخ و الغای امتیازات و حقوق غیرمشروعه رامیتوان تحصیل کرد و متدرجا بانتهاض طبقات سافله و تعلیه معیشت انها وتقریب طرز زندگی انها با زندگانی های طبقات مافوق تاحدیکه ممکن و قابل وقوع است موفق و نائل شد • طرق مستقیم عملی

که برای حصول مقدار ممکن از این مقصد عالی میتوان اتخاذ نمود اولا تحدید اختلاف درجات مشاغل وتعدیل تفاوت مراتب خدمات و اعمال عمومی است تاحدیکه قابل امکان ووجود خارجی باشد •

ثانیاً ازادی طرق وصول بمشاغل و تسهیل وسایل دستیابی باعمال باشرایط اجراء اصول تخصص در تولیت وتصدی انها ، ولذا بایدحق تصدی اعمال را مبنی برسابقهٔ متخصصیت نموده و مشاغل را مخصوص بمتخصصین کرد • ثالثاً تعلیق حقوق واجرتها برمساعی واعمال وتقریر مزد و جزا درمقابل سعی وعمل • زیرا ملاحظه حقیقت ورعایت حفظ نظم وجریان امور اجتماعی ثابت میکند که لیس للانسان الا ماسعی •

بنابرانچه گفته شد باید امکان وصول بمشاغل واعمال واستیفای حق سعی واجرت عمل وحصول

لوازم واسباب معیشت را باشرط سعی وعمل و ملاحظه تخصص تامین وطرق ترقی وتعالی را ازاد وباز وحیثیات معاشی وروابط اجتماعی را از ناعدالتیها وعدم تساویها وظالم امتیازات و واختصاصات غیرمشروعه تزکیه وتصفیه نمود •

معارف

توسیع دایره معارف وتسهیل طرق تحصیل و تعلیم وآزاد ساختن ان برای تمام افراد یکی از اصول مسائل مهمه است که باید مطرح و مطمح نظر هیئت جامعه باشد • درجات اولیه ابتدائی تحصیل وتعلیم که مابه الاحتیاج معیشت افراد است باید اجباری وعمومی و مجانی شود

اجتماعات و مطبوعات

برای تنبیه و تقریب افکار عموم و تصفیهٔ مسائل راجع بهیئت اجتماعیه تاسیس کنفرانس و کنگره ها و انعقاد کلیه اجتماعات عمومی

و توسعه و تکمیل مطبوعات از مهمات و لوازم ترقی حوزهٔ اجتماعیه است •

بسط تمدن

چون سلب توجه و انعطاف میل مردم از مراکز بطور کلی ودر تمام حیثیات غیر ممکن ورفع اختلاف طرز معیشت درمراکز واطراف بطور حقیقی صورت ناپذیر است باید همیشه ساعی بود که تمدن وتربیت را به مراکز اختصاص نداده حتی‌الامکان بتمام اقاط منبسط و منتشر ساخت تا این که بقدر ممکن تسویه و تعدیل در حیثیات اجتماعی منظورشده باشد

تعدیل میزان ارزاق

برای تسهیل معیشت عمومی و ترفیه احوال افراد باید بوسایل عملی همیشه در حفظ و تعدیل میزان ارزاق و مایحتاج عمومی سعی و کوشش بعمل اید

طرز مالکیت

اصول قابل اجراء اجتماعی مانع حقوق مالکیت نبوده و سلب تملك و اختصاص اشخاص و افراد رانسبت بحقوق واموال نخواهد نمود وهر کس نتیجه سعی خود را مالك بودد و حاصل اعمال مختص بعاملین است . حق تمالك و سایل عمل تاحدیکه ممکن است باید سهل وازاد و بطوری باشد که هرعامل براستیفای حقوق عاملیت وتبدیل باجر عملی قادرباشد . طرز مالکیت باید بطوری باشد که بواسطه تولید انحصارات و امتیازات مورث ضرر وخسارات هیئت جامعه نشده و باعث تعدیات متجاوزانه و زیاده روی های خاصیانه اقویا برضعفا واغنیا وسرمایه داران برفقرا وکار کران نباشد

﴿ منع انحصار ﴾

بنا براینکه تولید حق انحصار مورث تضییع

حقوق عمومی و باعث تجاوز اقویا و قوی اقدره برضعفا است، باید اثبات این حق درهمه جا ممنوع و مردود باشد مگر درمواقعیکه جلب و حفظ منافع عمومی مستلزم تخصیص وموجب انحصار گردد

انحصاراتیکه بمملکت تخصیص و واگذار میشود تاحدی مجاز و مشروع است که موجب تولید ضرر و زحمت برای هیئت جامعه نباشد .

منع قمار وگرو بندیها

وسایلی که صورتاً حقوق مالکیت را احداث و تصرفات مالکانه راتجویز میکنند، ولی در حقیقت بان وسایل هیچگونه حق مالکیت اثبات و ایجاد نشده وجز یك طرز اغتصاب و یکنوع عملیات شیادانه بشمار نمیایند باید توسل بانها در هیئت اجتماعیه جداً متروك و ممنوع باشد. مانندعمال بورسی و انواع لاطاری

و برد وباختها و گرو بندیها و امثال آن، باستثناء گرو بندیهای مشروعیکه مقدمه ترقیات هیئت اجتماعی ووسیلهٔ جلب منافع عمومیة است

مبادلات عمومی وروابط تجارتی

برای تعدیل مناسبات مبادلاتی ،وترتیب معاملات و تشیید روابط تجارتی بین افراد یا هیئتها و بقای حقیات ضعفا درمقابل مقاومت سرمایه دارآن و اغنیا و تولید وسایل معیشت برای مردمان بیکار و رفع بد بختی انها بهترین وسیلهٔ که میتوان اتخاذ نمود منع وترك وسائل احتکار سرمایهٔ و بکار انداختن سرمایه های متراکمه است که درقید احتکار مانده اند برای حصول این مقصد توسل بهر گونه وسایل عملی باقتضای موقع واستعداد زمان از تکالیف حتمی دوایر عمومی هیئت های

جامعه است

با حصول این مقصود میتوان تصور نمود که جنگهای اقتصادی واختلافات و منازعات تجارتی کنونی بین ممالك مختلفه که همیشه مورث و مولد نزع وجدال وباعث تولید بد بختیها وتضییقات و تلفات فوق العاده و سبب حصول نتایج اسف انگیز و موجد اثار موحشه و مهیق یاد گارهای مذموم قابل تنفر برای هیئت اجتماعیه است رفته رفته محدود و تقلیل شده و روزی خواهد بود که بالمره معدوم و متروك گردد . یکی از وسایل متروکیت احتکار ثروت و منع تراکم سرمایه ها تشکیل شرکتهائی است که بمشارکت عامه وبوسیله سرمایه های مادی وعملی افراد تشکیل وبواسطه انها مبادلات ومعاملات عمومی در تزاید و ثروتها بکار و در جریان وعموم افراد درسعی وعمل و اخذ نتیجه و نفع مشترك باشند .

تعدیل تحمیلات و زحمات هیئت اجتماعیه

بطور کلی مردم امروزی بسه قسمت منقسم شده اند (۱) ارباب تمول که بدون هیچ گونه زحمت و مشقت و تصدی خدمتی بهیئت جامعه بانکال سرمایهٔ خود قرین هر گونه اسایش و بانواع نعمت ها متنعمند (۲) طبقه بی کارهٔ اوارده که بعلت بیکاری و هرزه گردی رفته رفته متخلق باخلاق رزیله گردیده از تحصیل لوازم معیشت باز مانده سعی و عمل را پشت پا زده برای کسب اسایش وزندگی ناچار از ارتکاب مرکونه اعمال شنیعه وافعال نا مشروع هستند • منشأ یك قسمت عمده شرارتها و بی نظمیها واختلالاتی که غالباً هیئت جامعه را دچار زحمت و مرارت کرده باستعمال قوای جبریه و دفعیه مجبور میسازد این قسمت از مردمند •

(۳) طبقه متوسطه وصاحبان سرمایهای کوچك که فی الحقیقه درحکم دانه میان دو سنك هستند و فشار دو طبقه اولی بانها وارد امده و اغلب امور اداره هیئت را تکفل مینمایند • افراد این طبقه گاهی بواسطه جاذبهٔ سرمایه‌های بزرگ سرمایه سیك خود را از دست داده و بواسطه تنزل به طبقات سفلی ملحق و دچار بد بختی میشوند وگاه بواسطه شدت سعی و عمل و تصادفات اتفاقیه سرمایهٔ خود را ترقی داده بطبقات عالیه اتصال می جویند •

برای حفظ تناسب بین طبقات و تخفیف زحمات طبقه متوسطه باید طبقه هرزه گرد و سخره را رفته رفته وارد در کار کرده و بوسیله سعی و عمل بطبقه متوسط ملحق ساخت تا باین وسیله هیئت را از مضرات مترتبه بر اعمال انها ایمنی داده این بدبختی‌را منحل نمود ونیز طبقه متمول را باید بوسایل مقتضیه عملی داخل در دایره

تصدی خدمات عمومی و تحمل زحمات هیئت نموده تکفل امور را به نسبق بر عهده انها گذارد تا هم بدون سعی و عمل ماجور نبوده و هم از میزان زحمت طبقه وسطی کاسته گردد

کارگر و اجرت و مدت کار

این مسئله قابل انکار نیست که تخفیف مدت کار وازدیاد وسایل تسهیل اعمال سبب زیادی عایدات نسبت بکار وباعث ترضیه خاطر وموجب اسایش کارگر است

یکی از وسایل مهمه که برای ترفیه حال کارگران میتوان اتخاذ نمود تعادل میزان اجرتها وموازنه اجرت باعمل است — چون ممکن نیست تمام کارگران از شغل خود راضی و کلیه کارها مطبوع کارگران گردد باید بوسایل مقتضیه علمی وعملی ترتیب کارها را مستحسن وپسندیده ساخت و طریق وصول بکار را از راه تعدیل

شرایط تصدی وازادی دستیابی بازنموده متصدیان هر حرفه و پیشه را در حرفه و صنعت خود بواسطه رعایت تخصص قانع و راضی داشت وهر گونه کار را در هیئت اجتماعیه محترم شمرد تا کلیهٔ اعمال در نظر کارکنان مطبوع و بمشاغل مخصوصهٔ خود قانع و خوشنود باشند . مشاغلی که منتج مخاطره وتهلکه کارگر بشد باید حتی‌القوه متروك و بطوری ترتیب شود که موجبات اتلاف وایذاء کارگر فراهم نکرده . کلیه اطفال تاحدی ازسن که زحمت کار مانع رشد ونموطبیعی یا تحصیلات ابتدائی آنها ست نباید داخل درکار شوند

استقلال عمل ومزد وری

یکی از وسایل عمده برای حصول اسایش وکسب سعادت و کوارائی معیشت و جلب رضای خاطر واقناع افرادهیئت سعی دراستقلال اشغال واعمال و تقلیل عمل مزدوری است به قدر امکان . تأسیس بانك فلاحت وابتیاع اراضی واملاك

برای زارعین از طرق مهمهٔ تحصیل این مقصود است

ذخیرهٔ عمومی

چون لامحاله دوره زندگانی از حیث صعود و نزول مشتمل بر قسمتهای متفاوته است برای تامین روزگار نقص و ناتوانی اعضاء هیئت جامعه ترتیبی که قابل اعتماد واطمینان باشد تاسیس ذخیره عمومی وصندوق امدادیه است که فاضل معیشت‌هائی که برای هرکس تقدیر ومعلوم شده دربانك ذخیرهٔ عمومی اندوخته وبشکل حقوق تقاعد یاغیران کمك معیشت ایام ناتوانی باشد ویکی از وسائل عالیه برای تامین افراد هیئت جامعه از خطرآفات و خسارات وارده تاسیس اداره بیمه عمومی است

دو ایر خیریه وکمك عمومی

چندانکه فراهم کردن موجبات کار برای اشخاص از وظایف مختصه هیئت جامعه بشمار میرود کمك و امداد بعموم پرستاری ونگاهداری اشخصیکه

دست طبیعت یا تصادفات ناگوار انها را دچار عجز و ماتم زدگی و ناتوانی ساخته از دیون مقدسه هیئت است وبهترین طریق عملی که برای ادای این وظیفه ممکن است بدست ایدایجاد و تاسیس مریضخانه ها و دارالعجزه و مدارس ایتام ودارالمجانین وامثال انها است بناء علیهذا برذمت تمام افراد هیئت فرض است که بطور مستقیم وغیر مستقیم درکمك بعموم مسابقه نموده نوع خودرا ازذلت وبیچارگی رهائی داده اصول تعاون را برقرار نمایند .

— . اصلاحات روحانی . —

برادری و اتفاق

بهترین اساسی که سعادت حقیقی و پیشرفت مقاصد خیریه اجتماعی را شامل وهرگونه استقرار واستقلال وخوشبختی هیئت جامعه را متضمن است اجراء رسم اتفاق و برادری است فواید و

منافع اتفاق بقدری مسلم و مبرهن است که محتاج باقامه هیچ دلیلی نیست و لذا باید وسایل اتفاق و برادری را از راه نشر تعلیمات و تهذیب اخلاق مهیا نموده نقطهٔ نظر عموم را باثرات عالیه ان معطوف ساخت .

دیانت

اصول و نظاماتی که برای حفظ حقوق و تحدید حدود افراد هیئت مقرر وقواعد و قوانینی که برای جلوگیری از تجاوزات تا مشروع انان تدارك میشود تا هر قدرهم که مجری و معمول گردد بحکم تجربه بازمکفی از مغلوبیت انسان درمقام طغیان شهوت و غضب نبوده روابط قلبی و روحانیت و احساسات باطنی بین افراد هیئت جامعه‌را تعهدوتکفل نتواند نمود . فقط علایق باطنی وتأثرات درونی است که موجب تزکیه نفس وتصفیه اخلاق وتکمیل اساس تربیت

و تمدن حقیقی بوده بدون احتیاج بوجود هیچگونه آمر وناظری انسانرا ازاقدام بهوا های نفسانی بازداشته سلامت وسعادت عالم اجتماعی را تائید میکنند ملاحظهٔ حصول همین منظور اهمیت و وجوب معتقدات مذهبی وتعلقات دینی را ثابت و ازوم حفظ اصول جامعه و حقایق عالیه دینی را بر عهده هیئت اجتماعی الزام مینماید زیرا روح اجتماعی که عبارت ازبرادری وبرابری وازادی وتعاون واتفاق است درحقایق مذهبی و فلسفه دینی بوجه اکمل موجود و احساسات صمیمیه وروابط باطنی‌را بوسیلهٔ دیانت‌وعقیده بهتر میتوان بدست اورد .

ترك ونسخ عادات مضره

نظر باینکه بقاء اصول صحیحهٔ روحانی منوط بحفظ صحت وسلامت جسمانی‌است باید بوسایل عملی‌از عادات مضره که موجب فساد اخلاق و

باز داشتن افراد از اداء وظایف اجتماعی است (ازقبیل استعمال مواد الکلی وافیونی و هرگونه اعتیاد بملاهی واعمالی که منافی باصحت جسمانی و سلامت روحانی وعقلانی است) جلوگیری نمودة وازینرو رفته رفته سعادت حوزه اجتماعیه را تکمیل و نواقص اخلاقی ومعایب عادی انانرا مرتفع ساخت

ا خلا ق

اگر چه نمیتوان باور کرد که بالاخره روزی جنبات عالم اجتماع بشری از هر جهت طوری کامل خواهد شد که هیچگونه نقص وعیبی در اوضاع زندگانی انسانی مشهود نگردیده حقوق طبیعی و حدود مختصه و مشترکه افراد با یك تعدیل حقیقی محفوظ وناعدالتی هائی که اصول ونظامات موضوعه بشر هنوز برای حل و تسویه انها تکافی ننموده بالمره مرتفع خواهد گردید وتمام افراد انسانی بواسطه تمایل واعتقاد باصول

اجتماعی دارای تمام مزایای لازمه وجامع همه صفات و ملکات مستحسنه شده از حظ وبهره که خلاق طبیعت در جبلت انان بود یمت گذارده راضی وخوشنود وبقسمتی که طبیعتاً ازتنعم نعمات عالم حیات برای انها مقرر گشته قناعت ورزند اسیر سر پنجه شهوت ومقهور چنگال غضب و پیرو نفس اماره نگردیده با تعاون و توافق کامل بکمك ابناء نوع خود کار کرده وباتعادل حقیقی احتیاجات اجتماعی خود را دفع خواهند نمود تعدی وتجاوز را نسبت بهم جنسان خود متروك و ارتکاب مظالم وجرم و جنایق را که از اثر حرص وخود پسندی است یکباره معدوم مشتهیات نفسانی وامال لایتناهی طبیعی را پشت پا زده جنبه تزکیه اخلاق را تکمیل وباطرزی فیلسوفانه ومسلکی عارفانه باهمدیگر سلوك ورفتار نموده و بالاخره در تحت لواء ازادی وتساوی مطلقه زندگانی خواهند کرد و یك مساوات بحت ، یك عدالت

بسیط درتمام هیئت های جامعه فرمانروا خواهدشد

واگر بتوان امیدوار بودکه عالم اجتماع السالی بواسطه توجه وتکیه باساس اجتماعی وتعقیب و اجراء اصول مقدسه ان مسئله جهاد زندگانی را ترك ونزاع در موضوع تمالك و سایل عمل را ختم وفصل نموده طرز برادری واتفاق وطریقه تعاون را پیش گیرد تا بایند ووسیله خصوصه حرص وخود پسندی مقدرجا در عالم اجتماع ضعیف گردیده وجنبه تزکیه اخلاق وحیثیت تعلیهٔ افکار قوت گیره ورفته رفته احساسات دقیق تر وخالص تر وروابط عمومی سهل تر و ساده تروحیثیات اجتماعی بشری عادلانه ترگردیده وبالنسبه رفاهیت و اسایش معیشت عمومی تا انجاکه طبیعتاً مقدور ومیسر است حاصل و موجود گردد بنا براین مهمترین وسیله برای ترویج اصول مقدسه اجتماعی توسل و تشبث بوسایل قویه اخلاق است وچنانکه ازطرق عملی باید اصول اجتماعی

را تعقیب کرده از طرق اخلاقی نیز باید این مسلك ومقصد عالی را ترویج نموده و باین وسیله به تحسین افکار و تزکیه اخلاق عمومی پرداخت ازطرفی باید اقویا واغنیا رابطرف مساوات ضعفا و ناتوانان وطن فداری رفاهیت عمومی جلب وبجانب مساوات طلبی وعدالت خواهی ترغیب نموده و بهواخواهی وحمایت اصول اجتماعی معطوف وازشدت حرص وزیاده روی منحرف ساخت ازجانب دیگر باید عامه را بمقاصد لایق حصول اقناع و از تعقیب ارزوهای بعیده وطول امال و هیجان مشتهیات نا متناهی منصرف و جلوگیری نموده وبواسطه تزکیه اخلاق وتصفیه اذهان و توسعه افکار انها هیئت اجتماعی را از تصادف بطغیانهای مضر تامشروع که سبب تزازل انتظام عمومی ومورث تولید هرج ومرج و باعث ظهور مشقت وبروز بدبختی برای هیئت است تأمین کرد

حقیقت جوئی و اعتدال

انسان حقیقت جوی از موده ان است که فی‌الجمله از عوالم سطحی پای فراتر نهاده دیدهٔ حقیقت بین بکشاید و در پیروی امال و ارزو عنان اختیار را از دست ندادهٔ دردامنهٔ بی انتهای وهم و خیال و اماندهٔ و در دایرهٔ نامحدود هوا و هوس سرگشته نماند • همواره هم خود را باقدام و انجام اموری مصروف کند که قابل حصول و شایسته تحقق باشد ونقطهٔ نظر خود را درنیل بهرمقصود معنی درخط اعتدال قرار داده و ازعدول و انحراف از طریق مستقیم احتراز ورزد • یعنی درهر کار و هرموقع میزان تعادل را مقیاس صحت وسلامت دانسته مقدماتی را فراهم ارد که منتهی بحصول نتیجه گردد و از مجاز گذشته حقیقت طلبد • شخص معتدل حقیقت جو نه چندان باید نیك بین باشد و نه بدبین نه باعلا درجه

بنیل امل امیدوار ونه از ترقیاتی که عقلا وعملا موثق انتظار باشد مایوس • نه وهم پرست و صاحب افکار دور و دراز و نه بالمره بی حس و حرکت و بی قصد و بی فکر • نه حقیقت انسانیت را فقط بمدارج علمی منتهی کرده اخلاق را بی مدخلیت فرض نماید ونه نادانی را از مقتضیات طبیعی شمرده جهالت را مایه تعدیل حیثیات اجتماعی ورفاه معیشت عمومی داند بالجمله باید درهرمقصود و درهر اقدام ازنیل بحد افراط و تفریط کناره جوئی نموده حد وسط یعنی میانه رویرا از دست ندهد وانچه عقلا و وجدانا قابل تعقیب و شایان انجام است در صدد برایند • که نه ازتند روی بیجا و حرکت بیموقع از کارمانده عمل را فاسد کند ونه اوقات شریف را بغفلت و بطالت گذرانیده عمر گران مایه را بیهای بخس بفروشد تا عضوی ازهیئت جامعه را لغو و امور اجتماعی را معوق گذارد •

(عمليات)

مقدمه

برای وصول بمقصدی دور یا نزدیک طی طریق فاصل ناگزیر و محتاج‌الیه است. بر داشتن قدمها در حین عزیمت بجانب مقصود وسیله ایست طبیعی که سالك را بنقطه مقصود نزدیك میسازد .

اتخاذ و پیروی عملیات برای نیل بمرام و حصول امال عالیه مسلکی، مراحلی است که برای وصول بمقصد حتما باید پیمود در وضع و اتخاذ عملیات اقتضای موقع و مهیا بودن لوازم و موجودیت اسباب و استعداد افکار و مناسبت احوال عمومی همیشه باید منظور باشد بنا بر این مواد عملی نسبت بمرور زمان و تبدیل

اوضاع همیشه قابل نسخ و تغییرو محتاج تجدید بوده تشخیص و انتخاب آن فقط برای مدتی محدود و زمانی کوتاه است

فرقه اجتماعیون اعتدالیون بمناسبت حالات امروزی وفراخور مقتضیات عصر حاضره از حیث لوازم و اسباب و مقدماتی که فعلا در مملکت موجود است عملیات ذیل را وسیله انجام مقاصد عالیه خود دانسته تعقیب و ترویج آنها را بالضروره لازم میشمارند

درسیاست

۱ـ تکمیل حکومت ملی

۲ـ انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی بطرز عمومی و مستقیم

۳ـ تشکیل مجلس سنا بانتخاب ملی ، و شورای مملکتی [کونسی دتا]واکا می وسایر شوراهای

لازمهٔ علمی وفنی، تنظیم شورای بلدی و صحی و نظامی

٤ـ اختصاص و ظایف پارلمانی بمرکز و ترتیب انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و غیره

٥ـ وضع قوانین بمناسبت افکار عامه و باقتضای عادات و اخلاق عمومی ومذهب

٦ـ ازادی افکار و نطق و مطبوعات و اجتماعات و تابعیت و مسافرت ومسکن وشغل بموجب قوانینی که حدود مشروعهٔ انرا تعیین کرده فواید ان را تعمیم و مضار انرا جلو گیری نماید

٧ـ مصونیت شخص و مسکن بوسیله وضع قوانین مخصوصه

٨ـ سعی در تنظیم ادارات و جلب معلمین و مستشار های خارجه و فرستادن اشخاص تحصیل کردهٔ مستعد برای اموختن ترتیبات

اداری و غیره

٩ـ حفظ انتظامات داخلی بوسیله امنیه و نظمیه و تاسیس مدرسه مخصوص ژاندارمری و پولیس

١٠ـ ترتیب مرکزیت در عایدات دولتی

١١ـ تعمیم خدمت عسکری بتدریج وتوحید اصول ان در تمام مملکت

١٢ـ اصلاح نواقص قشون حالیه وتشکیل اردوهای سیار و قشون ساخلو برای حفظ امنیت و انتظام عمومی

١٣ـ تاسیس مدارس نظامی وترتیب وسایل فراهم ساختن مهمات قشونی در داخله مهما امکن

دراقتصاد

١٤ـ وضع مالیات بترتیبی که رعایت ضعفا دران منظور شده باشد اعم ازمستقیم یاغیرمستقیم

١٥ـ تعدیل مالیات های موجوده

۱۶ـ اهتمام در اعتبار مسکوکات

۱۷ ـ حفظ حقوق فلاحین و جلوگیری از تعدیات مالکین

۱۸ ـ سعی در تربیت اطفال زارعین و رنجبران

۱۹ ـ توسعه فلاحت و تاسیس بانك زراعتی و ایجاد وسائل تشویق فلاحین

۲۰ ـ تعطیل و استراحت عمومی هفتگی ایام جمعه

۲۱ ـ اتخاذ وسائلیکه متدرجا کار کردن اطفال زاقبل از اتمام دورهٔ تحصیل ابتدائی منع نماید

۲۲ ـ منع انحصار مکر درجائی که حفظ منافع عمومی تقاضا کند

۲۳ ـ منع احتکار کلیه ارزاق عمومی

۲۴ـ توحید ذرع و میزان و کلیه مقیاسات در تمام مملکت

۲۵ـ تسهیل روابط تجارتی بواسطه تاسیس شرکتها و افتتاح بازار های تجارتی و نمایش گاههای عمومی وساختن راهها .

۲۶ـ تعمیم خطوط پستی وتلگرافی وتسهیل مخابرات

۲۷ـ فراهم کردن لوازم ترقیات علمی و صنعتی بوسیله جلب معلمین و فرستادن محصلین بخارج وتاسیس مکاتب مقدماتی و مدارس عالیه فنی

۲۸ـ ازادی اکتشاف معادن وتسهیل شرایط استخراج آن برای اتباع داخله

۲۹ـ تشویق مخترعین و حفظ حقوق انها بطوریکه مانع از تکمیل نشود

۳۰ ـ ایجاد مکاتب ابتدائی مجانی در تمام مملکت و تأسیس مدارس عالیه و متوسطه درمرکز و شهر های عمده بتدریج و مساعدت با محصلین بی بضاعت برای تکمیل درمدارس عالیه ومتوسطه و توحید پروگرام مدارس

۳۱ ـ تشکیل دار التالیف ودارالترجمه برای تألیف وترجمه کتب لازمه علمی وفنی وتشویق مصنفین

ومؤلفین و حفظ حقوق مشروع انها

۳۲ — تاسیس مدارس برای تربیت معلمات و وضع قوانین کامله برای تنظیم مدارس نسوان و حفظ اخلاق متعلمات

۳۳ — تعمیم مجالس دروس عالیه برای مستمعین ازاد

۳۴ — تأسیس انجمن های خیریه

۳۵ — تنظیم امور موقوفات بارعایت شرایط وقف بطوریکه اموال موقوفه خاصتاً در مصارف معینه خود صرف شده و منافع موقوفات عامه بمصرف تاسیس مریضخانها ودار المجانین ودار العجزه ومدارس وسایر مصارف خیریه عمومی برسد .

اخلاق

۳۶ — تشویق وتحریص مطبوعات برای توسعه افکار عامه وجلب انها بطرف مقاصد عالیه مسلکی وطرفداری اصول ازادی ومساوات وبرادری و اتخاذ وسایل قویه برای تزکیه اخلاق عمومی

- اخطار -

۱ - این مرامنامه همه ساله مورد تجدید نظر و بحث و دقت گذارده شده و بمقتضای نظامات داخلی فرقه باکثریت اراء قابل اصلاح و جرح وتعدیل خواهد بود . اصلاحات این مرامنامه همیشه بموجب قطعنامهٔ رسمی مرکز فرقه اعلام خواهد شد

۲ - (استخراج ازنظامنامه عمومی - فصل ۱۷ - ماده ۱۴۹)

کلیه اشخاص که طرفدار وپیرو مرامنامهٔ فرقه اجتماعیون اعتدالیون باشند منسوب باین فرقه خواهند بود اگرچه درتحت تابعیت نظامات [دیسیپلین] فرقه وارد نشده باشند ولی درتحت مراقبت ونظریات فرقه فقط اشخاصی خواهند بود که عضویت منظم این فرقه را مطابق مواد این نظامنامه تعهد وقبول کرده باشند